



تیتیر های امر وز



«وطن امروز» گزارش می‌دهد
فهرست اقدامات ترامپ برای به انحراف کشاندن
افکار عمومی از ماجرای ایستین

سیا‌هه
فریب و فساد

صفحه ۵

پشت پرده اتهامات ترور یستی اخیر آمریکا
و برخی کشورهای اروپایی علیه ایران چیست؟

مثلث توطئه

صفحه ۲

دیوان عدالت اداری مانع اجرای آیین‌نامه دولت
برای کاهش تعرفه خودروهای وارداتی شد

خودرو پشت

چراغ قرمز قانون

صفحه ۳

چین آماده نبرد چندلایه علیه آمریکا؛ از ماهواره
تا بمب‌افکن‌های پنهان کار و کشتی‌های تهاجمی

ویرژه

اژدها
علیه استارلینک

صفحه ۷

بازسازی پدافند؛ کلید پیروزی در موج
دوم درگیری ایران و رژیم صهیونیستی

نگاه

محمد بیات

با پایان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، هر کدام از بازیگران درگیر در کارزار نبرد، خود را پیروز جنگ نامیده و معتقدند ضربات جدی به طرف مقابل وارد کرده‌اند. به بیان دیگر ایران و رژیم صهیونیستی با نمایش تصاویری از حملات آفندی به مراکز حیاتی طرف مقابل، بر این اعتقادند کفه ترازو موازنه به نفع آنها سنگینی می‌کند. با این حال داستان در حوزه «پدافند» یا همان دفاع متفاوت است. در حالی که مأموران موساد با هماهنگی جنگنده‌های «اف ۱۶» و «اف ۳۵» اسرائیل در حال هدف قرار دادن کمربند دفاعی غرب کشور بودند، در روزهای پایانی جنگ حملات سنگین موشکی ایران سبب شد سیستم‌های پدافندی رژیم اشغالگر، آمریکا، اردن، انگلیس و فرانسه نتوانند در برابر قدرت ایران ایستادگی کنند و اکثر پرتابه‌های ایرانی بعد از روز ششم جنگ با کمترین مشکل به اهداف از پیش تعیین شده برخورد کردند. بر همین اساس در ادامه این یادداشت سعی خواهیم کرد به بررسی تحرکات مقامات ایران و رژیم صهیونیستی برای بازسازی سامانه‌های پدافندی بپردازیم.

■ **از مسکو تا پکن؛ تلاش برای احیای توان پدافندی**

پیش از آغاز عملیات موسوم به «شیر خیزان» در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵، سیستم راداری و پدافندی ایران ترکیبی از فناوری‌های داخلی و وارداتی بود که عمدتاً بر پایه سیستم‌های روسی و توسعه‌های بومی مانند «نور ۳۳۲» استوار بود. شبکه راداری ایران شامل رادارهای بار بلند مانند «غدری» بود که قابلیت تشخیص اهداف در فواصل بیش از هزار کیلومتر را داشت اما این سیستم‌ها اغلب با چالش‌های فنی روبه‌رو بودند؛ از جمله وابستگی به قطعات خارجی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها. طبق گزارش‌های تحلیلی، ایران حدود ۳۰ سامانه «س ۳۰۰» روسی را در اختیار داشت که برای دفاع از سایت‌های هسته‌ای و نظامی کلیدی مستقر شده بودند اما این سامانه‌ها در برابر حملات سایبری و الکترونیکی آسیب‌پذیر بودند. علاوه بر این، سیستم‌های داخلی مانند مرصاد و سوم خرداد که بر پایه فناوری‌های معکوس‌سازی‌شده از سیستم‌های غربی ساخته شده بودند، پوشش محدودی فراهم می‌کردند و عمدتاً برای مقابله با تهدیدات میان‌برد طراحی شده بودند. تحلیل‌های پیش از جنگ نشان می‌دهد ایران بر ادغام رادارهای پسیو و اکتیو تمرکز داشت تا موفق به تشخیص هواپیماهای پنهان کار مانند «اف ۳۵» آمریکایی در اختیار اسرائیل شود. در مجموع، پیش از عملیات، ایران ادعا می‌کرد پوشش راداری «پهنه سزمینی» دارد اما واقعیت این بود که تمرکز اصلی بر دفاع نقطه‌ای از تأسیسات هسته‌ای مانند نطنز و فردو بود. در حالی که مناطق مرزی و آسمان شرق کشور آسیب‌پذیرتر بود.

ادامه در صفحه ۲

گزارش مهم فارن پالیسی از واقع گرایی نسل جدید ایرانی‌ها
درباره بی‌اعتمادی به غرب و حمایت از سیاست منطقه‌ای ایران
پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

نسل جدید مقاومت

مهم‌ترین اثر جنگ، تغییر دیدگاه جوانانی است که از ایدئولوژی جمهوری اسلامی فاصله گرفته بودند اما حالا نسبت به غرب تجدیدنظر کرده، به گفتمان مقاومت ایمان آورده‌اند و می‌گویند:
باید برنامه موشکی، نیروهای منطقه‌ای و گفتمان مقاومت را قوی‌تر کرد

گزارش
ندا امیرعباسی

۸ روز پس از آغاز حمله رژیم صهیونیستی به ایران، یکی از چهره‌های معروف مخالف جمهوری اسلامی از این جنگ انتقاد کرد. مسیح علی‌نژاد با انتشار یک یادداشت نوشت: اسرائیل همه برنامه‌های ما را به هم ریخت. نتانیاهو باید صبر می‌کرد تا اعتراضات و اعتصابات گسترده بعدی آغاز شود و سپس با هماهنگی با اپوزیسیون حمله کند. اقدام نظامی اسرائیل، اپوزیسیون و پروژه براندازی را حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال به حاشیه برد. مردم حالا طرفدار جمهوری اسلامی شده‌اند.

علی‌نژاد در این یادداشت با جنگ و حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران موافقت کرد اما از نظر او زمان این حمله اشتباه بود. با این وجود او بیان کرد نتیجه این جنگ، حمایت مردم از نظام سیاسی ایران است. نتانیاهو از ابتدای جنگ بیان کرده بود یکی از اهداف اصلی او از حمله به ایران، تغییر نظام سیاسی است. واقعیات جنگ هم باعث نشد او پس از آتش‌پس دست از این موضع بردارد و در تازه‌ترین اظهاراتش، همچنان از برنامه رژیم صهیونیستی برای براندازی حکومت ایران گفته است. با این وجود صاحب‌نظران معتقدند جنگ با ایران، برای نتانیاهو نتیجه معکوس به همراه داشته است؛ دست‌کم در موضوع دیدگاه مردم ایران نسبت به جمهوری اسلامی.

یکی از صاحب‌نظرانی که این موضوع را بیان کرده، «جان مرشایمر» نظریه‌پرداز سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. استاد دانشگاه شیکاگو معتقد است رژیم صهیونیستی در این جنگ نتوانست به اهدافش برسد. او ادعای نتانیاهو مبنی بر پیروزی در جنگ با ایران را «مزخرف» خواند و با تأکید بر شکست نتانیاهو در ایجاد شورش و هرج و مرج در ایران و براندازی جمهوری اسلامی بیان داشت: «در موضوع تغییر حکومت ایران، همگی اذعان دارند اکنون محبوبیت جمهوری اسلامی در بین مردم ایران تثبیت شده و اتحاد در این کشور قوی‌تر از گذشته شده است.

پس تغییر حکومت در ایران رخ نخواهد داد». این اظهارات مرشایمر و سایر صاحب‌نظران، بر اساس رفتار مردم ایران در طول ۱۲ روز جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و آمریکا مطرح می‌شود. بر خلاف انتظار نتانیاهو و پیش‌بینی‌های موساد، حمله به ایران نه تنها باعث بروز تجمعات و اعتراضات خیابانی علیه جمهوری اسلامی نشد، بلکه رفتار مردم ایران نشان داد اکثریت جامعه ایرانی ضمن محکوم کردن تجاوز به خاک‌شان، از نظام و نیروهای مسلح خود حمایت می‌کنند. جنگ باعث شد اکثر قریب به اتفاق احزاب و جریان‌های سیاسی، گروه‌های مرجع، فعالان و

چهره‌های معروف و حتی سلب‌ریتی‌ها به یک نظر مشترک برسند و آن محکوم کردن اسرائیل و حمایت از ایران و نیروهای مسلح و مطالبه مجازات سخت متجاوز بود. شاید در ۲ دهه گذشته این نخستین‌بار بود که ذائقه‌ها و سلاقی مختلف و متنوع ایرانی، در یک موضوع به اشتراک نظر حداکثری رسیدند. یکی از نمودهای این یکصدایی، حضور افراد و تیپ‌های مختلف مردمی در تجمعات و راهپیمایی‌ها، نماز جمعه و مراسم تشییع شهدای جنگ بود. در این مراسمات، تیپ‌های مختلف مردم حضور داشتند، حتی خانم‌هایی که حجاب اسلامی نداشتند؛ یعنی همان بخشی از جامعه که نتانیاهو برای شورش و اعتراض خیابانی علیه جمهوری اسلامی، روی آنها حساب کرده بود. این عده به خیابان آمدند اما نه علیه جمهوری اسلامی، بلکه علیه نتانیاهو و ترامپ و رژیم صهیونیستی و آمریکا.

یکی دیگر از نمودهای همبستگی ملی و یکصدایی جامعه، اذعان و اعتراف برخی چهره‌های معروف جریان‌های سیاسی نسبت به اشتباه بودن انتقادات خود نسبت به سیاست‌های جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی و سیاست‌های منطقه‌ای بود. تعدادی از این کنشگران سیاسی در قالب مصاحبه‌ها و مطالبی در شبکه‌های اجتماعی با اذعان به اشتباه خود درباره حضور ایران در لبنان و سوریه و حمایت از مردم مظلوم غزه، تصریح کردند وقوع جنگ باعث شد آنها به دوندانشی جمهوری اسلامی و درستی سیاست‌ها و

اقدامات نظام در قبال جبهه مقاومت پی ببرند. تعداد زیادی از این افراد هم با اشاره به رفتار فریبکارانه دولت آمریکا در قبال مذاکرات هسته‌ای، بیان کردند مبنای سیاست‌های جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، یعنی بی‌اعتمادی مطلق نسبت به آمریکا و ساختار سیاسی نظام بین‌الملل کاملاً درست بوده است و این آنها بودند که در این سال‌ها، درباره اعتماد به آمریکا و موثر و مفید بودن ساختار سیاسی و قوانین و قواعد بین‌المللی اشتباه فکر می‌کردند.

بنابراین همین واقعیت‌هاست که باعث شده بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل تأکید کنند جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران، برخلاف تصور و پیش‌بینی‌های نتانیاهو و ترامپ، باعث همبستگی مردم ایران و نزه‌یک‌تر شدن دیدگاه‌های آنها به سیاست‌های جمهوری اسلامی شده است.

■ **اعتراف فارن پالیسی**

جدیدترین شماره مجله آمریکایی فارن پالیسی هم به همین موضوع اشاره دارد. فارن پالیسی با انتشار مقاله‌ای، به صورت مفصل، واقعیت‌ها و پیامدهای اجتماعی حمله رژیم صهیونیستی به ایران را تشریح کرده‌است. این مجله سرشناس آمریکایی اعتراف کرده این جنگ باعث شد جوانان و نسل‌های جدید در ایران، نه تنها با دیدگاه‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی در سیاست خارجی هم‌نظر شوند، بلکه این جوانان اکنون خواستار تقویت و تحکیم این سیاست‌ها هستند. به گزارش خبرگزاری‌ها، فارن پالیسی نوشته‌است: مهم‌ترین و ماندگارترین اثر جنگ ۱۲ روزه، تغییر دیدگاه جوانانی است که بعد از انقلاب و در دنیای اینترنت و اثرگذاری رسانه‌های غربی به دنیا آمدند و در این سال‌ها از ایدئولوژی جمهوری اسلامی فاصله گرفتند اما حالا همان‌ها نسبت به غرب تجدیدنظر کرده، به گفتمان مقاومت نظام ایمان آورده‌اند و می‌گویند: «باید برنامه موشکی، نیروهای منطقه‌ای و گفتمان مقاومت را قوی‌تر کرد تا ایران مستقل و مقتدر باقی بماند». نویسنده فارن پالیسی می‌افزاید: «چنین چیزی یک میراث بزرگ برای آینده ایران است و اگر این تغییر ادامه یابد، سیاست داخلی

و منطقه‌ای ایران را برای چند دهه آینده شکل خواهد داد».

در ادامه این گزارش آمده است: «تنها اثر واقعی حملات، تقویت روایت آیت‌الله خامنه‌ای بود؛ اسرائیل به جای نابودی نظام، آن را تقویت کرد. سالیان سال، حتی با وجود اینکه آیت‌الله خامنه‌ای هشدار می‌داد نمی‌توان به غرب اعتماد کرد، بخش زیادی از جامعه همچنان به انتخابات به نامزدهایی رأی می‌دادند که وعده تعامل با غرب را مطرح می‌کردند اما حملات اسرائیل به ایران در میانه مذاکرات با آمریکا، حالا در بین همان افرادی که قبلاً از گفت‌وگو حمایت می‌کردند، این دیدگاه رو به رشد را شکل داده که مذاکرات غرب یک بازی فریبکارانه است، زیرا برای آنها اصلاً مهم نیست ایران چگونه تعامل می‌کند و در هر حال به دنبال اذیت و آزار ایران هستند».

نویسنده این مجله آمریکایی در ادامه نوشت: «حملات به ایران قطعاً آسیب‌هایی به دنبال داشته اما تنها کار واقعی که از این حملات برآمده، تقویت روایت آیت‌الله خامنه‌ای است. نظام سالم ماند، رهبری پابرجا ماند، خیابان‌ها به صحنه اعتراض بدل نشد، ایران تکه‌تکه نشد و در سطح بین‌المللی هم، ایران دیگر نه به عنوان یک متجاوز، بلکه به عنوان کشوری در محاصره دیده شد که بار دیگر توانسته در برابر مداخله خارجی مقاومت کند. ادبیات بین‌المللی درباره ایران هم نکته قلم‌افتاده‌ای را نشان داد؛ اینکه این نظام چقدر منعطف است و چگونه در برابر چالش‌ها از خود پذیرش نشان می‌دهد. اینکه چگونه یسار می‌گیرد، چگونه سازگاری می‌یابد و چگونه شوک‌های دریافتی را در روایت ماندگاری و مقاومت خود جا می‌دهد. حملات اسرائیل این سیستم را نابود نکرد، تقویش کرد».

در ادامه این مقاله به پذیرش سیاست‌های منطقه‌ای ایران، بویژه درباره جبهه مقاومت نزد اقبال منتقدان این سیاست‌ها اشاره شده است. فارن پالیسی در این باره نوشته است: «با حمله به ایران، گفتمان مقاومت جمهوری اسلامی نه‌با ایدئولوژی، بلکه توسط رویدادها

و واقعیت‌ها مورد تأیید قرار گرفت. این لحظه به زمانی برای تحکیم روایت مقاومت در ایران تبدیل شده است، زیرا اگر دشمنی که می‌خواهد بر ایران مسلط شود، از همه طرف کشور را احاطه کرده باشد، مقاومت موشک‌ها و پهپادهای تولید داخل، تنها امید ایران برای بقاست و تنها نهادهایی هم که قادر به انجام این مقاومت دفاعی هستند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایرانند. چنین چیزی، یک میراث مهم برای آینده ایران است. آینده در چارچوب حملات ژوئن تعیین خواهد شد؛ جایی که دکترین مقاومت نه‌با ایدئولوژی، بلکه توسط رویدادها و وقایع مورد تأیید قرار گرفت».

نویسنده فارن پالیسی در تکمیل این بخش از مقاله خود نوشت: «حالا مقاومت دیگر در انحصار جمهوری اسلامی و وفاداران به آن نیست؛ اکنون فریادی برای دفاع از میهن است که از مرزهای اجتماعی و سیاسی فراتر رفته است. قدرت این روایت آنجاست که دارد توسط افرادی تکرار می‌شود که در گذشته به آن بدبین بودند ولی حالا با رویدادهای میدانی به مشروعیت آن پی برده‌اند. مهم‌ترین تغییری که این جنگ رقم زد، تغییر یک نسل بود. این حملات همچنین نگاه ایرانیان به خود را تغییر داد. شاید مهم‌ترین تغییر، تغییر نسلی باشد. نسلی که با اینترنت، رسانه‌های غربی و دیدگاه‌های متمایل به غرب بزرگ شده بود، حالا مشروعیت نظم جهانی را که با اعتقاد به آن بزرگ شده بود، زیر سوال می‌برد. شعارهایی که قبلاً در ایران به عنوان پروپاگاندا رد می‌شد، حالا دارد به عنوان واقع‌گرایی تفسیر می‌شود. اگر این تغییر ادامه یابد، سیاست داخلی و منطقه‌ای ایران را برای چند دهه آینده شکل خواهد داد. این تغییر ممکن است بیش از هر موفقیت یا شکست تاکتیکی در جنگ، ماندگارترین اثر را به دنبال داشته باشد. سالیان سال بود که ایرانی‌ها سوال می‌کردند اصلاً چرا کشورشان به برنامه موشکی، نیروهای منطقه‌ای یا دکترین مقاومت نظامی نیاز دارد اما حالا سوال آنها این است: چگونه می‌توان همه این دفاع‌ها را قوی‌تر کرد تا ایران مستقل و مقتدر باقی بماند؟»